

در قانون
اسلام
بیان عقیده
آزاد است
و هیچکس
حق ندارد
از تفکر
و نحوه
اندیشه کسی
جلوگیری کند

آزادی
عقیده
حق
طبیعی
هر
انسان

آزادی عقیده در اسلام

به
آزادی
عقیده
دیگران
احترام
بگذارید.
«و ان»

اسلام و حقوق طبیعی انسان

امتیاز انسان بر حیوان بنیروی «تفکر» است، انسان دارای اراده و قدرت عصیان و تسلیم است، انسان آزاد و مختار است که درباره هر موضوعی فکر کند و آنچه را که درک کرده بآن عقیده پیدا کند و عقیده خود را نیز اظهار نماید.

تفکر، استدلال، استنباط، و یا اجتهاد در مسائل و مباحث علمی، مخصوص افراد خاصی نیست همه حق دارند فکر کنند و نتیجه افکارشان را در اختیار افراد دیگر قرار بدهند و لذا باید بفکر افراد، استقلال داد و آن را از تأثیر هر گونه عوامل خارجی آزاد گذاشت.
ما نمی دانیم که در هر فرد چه استعدادی نهفته است؟

داود الهامی

(۴)

برای این که استعداد نهفته افراد ظهور و بروز کند، باید میدان فعالیت فکری برای همه باز باشد، قدرت اندیشه و تفکر، موهبت خداوند است و این موهبت را نمی شود و نباید بهیچ عذر و بهانه ای از کسی سلب نمود.

هر کس در بیان رأی و عقیده خود، خواه سیاسی و اجتماعی و خواه دینی و مذهبی باید آزاد باشد و بایستی افراد در این اختیار و آزادی از هر حیث مصون و در امنیت باشند و قوانین باید مصونیت افراد را از هر لحاظ تضمین کند.

البته جلوگیری از آزادی فکر و بیان گناه بزرگ و سد طریق تکامل بشمار می رود

اسلام جوامع بشری را در انتخاب «عقیده» آزاد گذاشته است

جلوگیری
آزادی
فکر و
بیان
سد
طریق
تکامل
است

اختلافات
ایدئولوژیکی
و تفاوت
اعتقادی
اقتضای
نظام کلی
جهان است
براه

جنایتی هولناکتر از اختناق فکری در
جهان بشریت قابل تصور نیست.

حکومت‌های مستبد و خودکامه جلوی آزادی افکار را میگیرند

را بدانند و از هر گونه تفکر انتقادی دوری
جویند و خود را بانمونه‌های ثابت انطباق
دهند و الگوئی قالبی فکر نمایند.
آری اختناق فکری و انحصار افکار و
عقاید در چهارچوب اعتقادی رسمی بی‌شک
عامل مرگ فکر و محرومیت جامعه از
وجود استعداد های بسیار و آندیشه های
نوین بؤده و جنایتی از این هولناکتر در
جهان بشریت قابل تصور نیست.

**هیچ دیانتی بی تعصب تر از اسلام
وجود ندارد**
اسلام جوامع بشری را در انتخاب
عقاید و گزینش مکاتب آزاد گذاشته است.
در اسلام هر کس در بیان رأی و اظهار

قوانین ظالمانه و حکومت‌های مستبد و
خودکامه که جلوی آزادی افکار را می‌گیرند
جز کشتن استعداد ابتکار بشری و نگاهداشتن
افراد در حال انجام فکری، نتیجه دیگری
ندارد و خود برخلاف فطرت و اصل خلقت
انسانی است.
هدف این نوع حکومتها بی‌حسن کردن
فکر و آندیشه افراد و ایجاد حس فرمانبرداری
مطلق و تسلیم کور کورانه در برابر قدرت و
قوه قهریه می‌باشد.
در این سیستم حکومتها، مردم مجبورند
هر آنچه را که می‌گویند با فروتنی و خضوع
در ذهن جای دهند و در درستی برنامه‌ها
که از طرف رژیم استبدادی القاء می‌شود
شک نکنند و نیز نباید علت وجودی و قایم

لطفا ورق بزنید ←

عقیده خود کاملاً آزاد است و کسی حق ندارد با هیچ دستاویزی از تفسیر کسی و نحوه اندیشه او جلو گیری نماید.

این حقیقت در قرآن مجید با تعبیرات گوناگون بیان شده است :

۱- در دنیائی که حتی مترقی ترین و اصیل ترین دین آن زمان نیز اجازه فکر و تعقل به پیروان خود نمی داد و حتی از نظر کلیسا گناهی بالاتر از این نبود که فرد مؤمن مسیحی راجع به مسائل دینی از دیدگاه علم و بحث و استدلال وارد بشود ، در چنین زمانی قرآن مجید، به پیامبر اکرم خطاب میکند که:

« فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه » (سوره زمر آیه ۱۸)

خداوند در این آیه به پیامبر یادآوری میکند که :

بآن دسته از بندگان من بشارت بده ، که دارای دو حقیقت و دو خصیصه هستند:

صفت اول پرهیز از جمود که گوش-

هایشان را نمی بندند و تاب تحمل شنیدن

هر نوع سخن و منطق را دارند ، سخنان،

فرضیه ها، نظریات، استدلالها، مطالب

فلسفی و براهین ملل مختلف را می شنوند.

و صفت دوم اینست که بعد از شنیدن ،

در بست و کور کورانه نمی پذیرند ، عقل

خود را از حکومت عزل نمی کنند ، فکر

می کنند هر کدام از نظریه ها که بهتر و

زیباتر بود ، می پذیرند (فیتبعون

احسنه) .

راستی قرآن چه شاهکاری شگرف ۱۴

قرن پیش به بشریت عرضه کرده است ؟!

آزادی عقیده در اسلام

روزگاری که هنوز از علوم تجربی خبری نبود، دنیائی که هنوز دنیای فعالیت عقل-و فکر نبود، ظلمات و تاریکی ها تمام زوایای زندگی مردم آن زمان را فرا گرفته بود در چنین عصری کتاب آسمانی قرآن ، انتخاب و گزینش را بدست عقل می سپارد و عقل را حکم میکند که حق و باطل را بشناسد و سخن هر گروه و هر صاحب نظری را بشنود و از آن میان بهترین را انتخاب کند .

۲ - لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی... « هیچگونه اجبار و اکراهی در کار دین وجود ندارد زیرا آئین رشد و درستکاری از راه ضلال و گمراهی شناخته و جدا شده است.

آری از آنجائی که عقاید قلبی و معتقدات مذهبی افراد روی علل و مقدمات خاصی بوجود می آید ، لذا نمی توان با اکراه و اجبار عقیده کسی را عوض کرد چون اجبار و اکراه در اعتقادات قلبی ابداً راه ندارد.

روی این اصل قرآن هر گونه اجبار و اکراه را در مورد دین و عقیده نفی کرده و انتخاب را مساعدت و ضلالت را با اختیار خود فرد گذاشته است.

۳- در جای دیگر پیامبر را مورد خطاب قرار داده میفرماید:

« ولو شاء ربك لامن من فی

الارض کلهم جمیعاً افانت تسکره

الناس حتی یکنوا ، مؤمنین » (سوره

یونس آیه ۹۹) .

اگر پروردگارتو بخواهد، همگی مردم

روی زمین ایمان می آورند آیا تو برای آنکه مردم ایمان بیاورند می خواهی آنان را مجبور کنی ؟

اسلام حتی برای پیروان خود اصولی را مفروض داشته که طبق آن به آزادی عقیده دیگران احترام بگذارند و خاطر نشان ساخته که اختلافات ایدئولوژیکی و تفاوت های اعتقادی ، اقتضای نظام کلی جهان است .

چنانکه خداوند در علوم اجبار و اعمال فشار بر مردم به خاطر اعتقاد به دین الهی میفرماید :

«وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ وَكَذَلِكَ خَلَقَهُمْ»

و اگر پروردگارتو می خواست همه مردم را يك امت می گردانید ولی پیوسته در حال اختلاف خواهند بود، مگر کسانی که خدا به آنها رحم کند و برای همین آفریده شده اند) (سوره هود آیه ۱۱۸).

در مقام تأکید همین اصل به پیامبر تذکر می دهد که : « فذکر انما انت مذکر لت علیهم بمصیطر» (سوره غاشیه آیه ۲۲) .

تذکریده و یادآوری کن، زیرا آنها وظیفه تو تذکر دادن است نه الزام و اجبار .

۴- پیامبر از طرف خداوند مأموریت می یابد که وظیفه آسمانی خود را از راه منطق و برهان و تئویر افکار، بدون هیچگونه خشونت و سخت دلی انجام دهد:

« ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتی

هی احسن» (سوره نحل آیه ۱۲۵)

با نرزانگی و پند دادن نیکو، به راه پروردگارت دعوت کن و با مخالفان بطریقی که نیکوتر است مجادله کن.

و در مورد دیگر مسلمانان را مورد خطاب قرار داده میفرماید :

« لا تجادلوا اهل الکتاب الا بالتی

هی احسن» (سوره عنکبوت آیه ۴۶):

با اهل کتاب و پیروان ادیان پیشین راه مجادله بنحو احسن و اقتناع با حجت و برهان را پیش گیرید.

آری دعوت اسلامی بر این اساس بوده است، پیامبر اکرم هنگام دعوت و تبلیغ مردم از هر گونه اجبار و الزام خودداری می کرد و تنها خواسته اش از مردم این بود که گفتارشان را بشنوند اگر چنانکه دلهایشان از شنیدن آیات الهی نرم و متمایل به خدا گردید ایمان بیاورند و گرنه کارشان با خدا باشد.

باین حقیقت که «هیچ دینانی بی تعصبتی از اسلام وجود ندارد» بسیاری از دانشمندان غرب نیز اعتراف کرده اند:

«جان دیون پورت» دانشمند معروف می نویسد: «اسلام، هیچگاه در اصول عقاید هیچ دینی مداخله نکرده است و هیچوقت، کسی را باین جرم مجازات ننموده است و هیچگاه محکمه تفتیش عقاید «انگیزسیون» تأسیس نکرده است و هیچوقت نظر نداشته است که عقاید دینی را بر دیگران تحمیل کند...» (۱)

۱- عذر تقصیر به پیشگاه

محمد و قرآن ص ۱۱۲

همچنین استاد «زول لایوم» محقق

معروف فرانسوی می گوید:

«تاریخ مسلمانان در تمام دوره هاریشه دار بودن این تمایل باطنی را که در اعماق جان قرار دارد نشان داده است حتی بفرکر آنها خطور نکرده که ملتی را به انگیزه مذهبی و توجیها ت دینی از میان برداشته باشند یا گروهی از جامعه مسلمین، با تکیه به مبانی اعتقادی ، اقلیتهای مذهبی را مورد ستم و فشار قرار داده باشند بلکه به تمام اسرای جنگی و محکومین و اقلیتهای مذهبی آزادی داده تابشوند در کمال استقلال دستورات مذهبی و تعالیم سنتی خود را انجام دهند و از حقوق انسانی خود در جامعه اسلامی برخوردار باشند.»
«در عین حالی که اسلام، وظیفه مسلمانان را تبلیغ مذهب خود می داند هیچ اقلیتی را وانمیدارد که ترویج فکر و مذهب خودش را تعطیل کند، بلکه همیشه اقلیتهار ا محترم داشته است.»
«سپس همین دانشمند اضافه می کند :
«اینجاست که می بینیم بهترین و زیباترین

آزادی عقیده در اسلام

کلیسا در سز زمین اسلام ساخته می شود و در جنب مناره های مسجد ناقوسهای کلیسا و اماکن مقدس مسیحیت به صدا در می آید» (۱)

آری بهترین گواه بر اینکه مسلمانان با پیروان ادیان دیگر با مسالمت و حسن سلوک رفتار می کردند، باقی ماندن اقلیتهای مختلف در کشورهای اسلامی است زیرا اگر رفتار مسلمانان با این اقلیتهامسالمت آمیز نبود ، مسلماً این اقلیتهای نیز مانند اقلیتهای مسلمان در کشورهای مسیحی ، منقرض میشدند.

* * *

اما ذکر این نکته لازم است که اسلام با اینکه از طریق اجبار و اکراه وارد نمی شود ، همه را دعوت منطقی به آئین حق که دین اسلام است میکند، آئینهای دیگر را بیراهه می شمرد یا آئینهایی که عمرشان پایان یافته و باید از آنها چشم پوشید و صریحاً اعلام میدارد :
« ومن یتبع غیر الاسلام دنیا فلن یقبل منه » : هر کس غیر از اسلام دینی انتخاب کند از او پذیرفته نخواهد شد.

۱- آیدنولوژی و فرهنگ اسلام از دیدگاه زول لایوم ص ۱۴۳-۱۴۴

« يك اعتراف از سلف آقای کارتر! »

نیرومندترین قدرت یکتای کنونی در جهان ، نه کمونیزم و نه کاپیتالیزم ، نه بمب هیدروژنی و نه موشک هدایت شونده است ، بلکه خواست ابدی بشر برای آزاد زیستن و مستقل بودن می باشد

بزرگترین دشمن این نیروی عظیم آزادی را اگر بنام واقعی خود بنامیم، اعم از اینکه خوشمان بیاید یا نیاید، باید بگوئیم . که هم امپریالیزم غرب است و هم امپریالیزم شوروی !

امروز بجرئت می گویم که تاکنون نتوانسته ایم با خطر امپریالیزم - خواه امپریالیزم شوروی باشد و خواه امپریالیزم غرب - مقابله کنیم و به مسؤلیت خود در مقابل جهاد آزاد عمل نکرده ایم !!

(از کتاب استراتژی صلح بقلم جان کندی رئیس جمهوری اسبق آمریکا - ترجمه عبادالله گله داری ص ۷۶)